

برنامه درسی کنجکاومحور

احمد احمدی

وابسته می‌شوند و براساس عادت و تمرین، فقط به فراگیری مطالب می‌پردازند ولی از نیروی تفکر خود به‌نحو شایسته‌ای بهره نمی‌برند. همچنین، توانایی استقلال ندارند و وابسته و متکی به دیگران خواهند بود. متخصصانی از قبیل **بوگارد** (۲۰۱۸)، **اوردن** (۲۰۱۷) و **کوک** (۲۰۱۵) راه برون‌رفت از چنین شرایطی را ارج‌نهادن به کنجکاوی دانش‌آموزان و تدوین برنامه درسی مبتنی بر آن دانسته‌اند. بدین ترتیب، امروزه تدوین برنامه درسی مبتنی بر کنجکاوی، از اهداف آموزشی بسیاری از کشورها در سرتاسر جهان است. متخصصان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت در ایران نیز ضمن انتقاد از حاکمیت رویکرد موضوع‌محوری در نظام آموزش و پرورش ایران، پاره‌ای اقدامات عملی در این راستا انجام داده‌اند؛ از جمله، در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۳۹۵) تغییر رویکرد نظام آموزشی از حافظه‌گرایی به پژوهش‌محوری مبتنی بر کنجکاوی دانش‌آموز به‌عنوان هدفی مهم بیان شده است. همچنین، در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، «تدوین برنامه درسی متناسب با نیازها و علایق دانش‌آموز و توجه به پژوهش، نوآوری و تولید علم از طریق تشویق کنجکاوی دانش‌آموزان» از جمله راهبردها و سیاست‌های لازم برای دستیابی به هدف مذکور بیان شده است (مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵). یا در اسناد بالادستی، از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر این موضوع تأکید شده است. به‌عنوان مثال، گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزشیابی، خلاقیت و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربه‌های علمی تربیتی بومی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، از طریق تأکید بر خودراهبری و تقویت حس کنجکاوی

برنامه درسی و آموزش رسمی هر کشور باید در خدمت اهداف ملی آن کشور باشد و در تربیت متخصصان آینده آن جامعه نقش مؤثری ایفا کند. لذا جای تردید نیست که تمامی کشورها در زمینه طراحی و توسعه برنامه‌های ملی خود باید بر برنامه درسی، به‌منظور رشد و شکوفایی افراد و تغییر در روند رشد جامعه، تأکید کنند. برنامه درسی از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به هدف‌های آموزشی و یادگیری نقش بسزایی دارد و از این رو می‌توان آن را قلب نظام آموزشی به شمار آورد. از سوی دیگر، برنامه درسی آینده نقش‌ها و هدف‌های آموزشی هر کشور و شایسته توجه دقیق است. به همین دلیل، یکی از عناصر اصلی و مهم در ارتقای کیفیت آموزش، متناسب‌سازی نگرش، دانش و مهارت دانش‌آموزان با آخرین دستاوردهای علمی و آموزشی است. در کشور ما، با توجه به متمرکز بودن نظام آموزشی، کتاب درسی - به‌عنوان مهم‌ترین منبع درسی - محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش محسوب می‌شود و فعالیت‌ها و تجربه‌های تربیتی دانش‌آموزان توسط معلم و حول محور آن سازمان‌دهی می‌شوند. بر این اساس، متخصصان تعلیم و تربیت برنامه درسی حاکم بر نظام آموزشی را به‌عنوان برنامه‌ای موضوع‌محور تلقی می‌کنند. **اورولینوا و کونالکو** (۲۰۱۱) معتقدند، در برنامه درسی موضوع‌محور، معلمان با تکیه بر روش‌های سنتی، به‌ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند. به این ترتیب، از علاقه دانش‌آموزان به علم می‌کاهند. به عبارت دیگر، نتیجه حاکم شدن برنامه درسی موضوع‌محور این خواهد بود که در نهایت دانش‌آموزان به معلم و آموزش‌های معلم

در برنامه درسی
موضوع‌محور،
معلمان با تکیه بر
روش‌های سنتی،
به‌ویژه سخنرانی،
شاگردان را به
حفظ و تکرار
مفاهیم علمی
ترغیب می‌کنند

بسیار؟

جای تردید نیست
که تمامی کشورها
در زمینه طراحی و
توسعه برنامه‌های
ملی خود باید
بر برنامه درسی،
به‌منظور رشد و
شکوفایی افراد و
تغییر در روند رشد
جامعه، تأکید کنند

مؤلفه کنجاوی
بیان‌کننده حس
جست‌وجوکنندگی
دانش‌آموزان،
علاقه به پیگیری
اطلاعات جدید،
اشتیاق نسبت به
دانش نوین و میل به
یادگیری است

برنامه درسی
باید به‌گونه‌ای
سازمان‌دهی شود
که دانش‌آموزان
را برای زندگی در
جامعه به سرعت
در حال پیشرفت
و تغییر چشمگیر
آماده کند

چشمگیر آماده کند (صمدی و گلوی، ۱۳۹۷).

برنامه درسی کنجاو محور ریشه در «نظریه سازنده‌گرایی» دارد. همان‌طور که می‌دانیم، سازنده‌گرایی یک نظریه یادگیری است که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی تأکید می‌کند. سازنده‌گرایان، برخلاف رفتارگرایان، مدعی هستند که شناخت، منفعلانه دریافت نمی‌شود، بلکه فعالانه با تفکر یادگیرنده ساخته می‌شود. یادگیری در این نظریه خلق معنا در ذهن یا معناخشدن به مطلب ارائه‌شده از طریق بررسی اطلاعات مرتبط، سازمان‌دهی مجدد آن و مرتبط کردن آن با آنچه فرد از قبل می‌داند، تعریف می‌شود (کلارک و مایر، ۲۰۰۲). اردوغان (۲۰۱۷) نیز در این خصوص معتقد است، یادگیری مبتنی بر کنجاوی به انواع فنون (تکنیک‌های) آموزشی اشاره دارد که دانش‌آموزان از طریق آن‌ها در یادگیری خودشان، تنظیم کردن سؤالات، بررسی گسترده، و ساخت مفهوم، معنا و دانش جدید درگیر می‌شوند. رویکرد برنامه درسی کنجاو محور می‌تواند محیط یادگیری باز همراه با فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم کند تا کاوش کنند و یادگیری معناداری را بسازند. توران و همکارانش (۲۰۲۰) نیز معتقدند، یادگیری پنج مؤلفه دارد که عبارت‌اند از: ۱. کنجاوی و علاقه؛ ۲. ابتکار؛ ۳. پایداری و توجه؛ ۴. خلاقیت و نوآوری؛ ۵. تعمق و تفسیر.

توجه: بخش‌هایی از این متن از محتوای مقاله مفصل «چارچوب نظری مؤلفه‌های برنامه درسی کنجاو محور و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران»، تألیف دکتر محسن دیبایی در فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۱، گرفته شده است.

دانش‌آموزان، از جمله راهبردهای کلان برای تحقق اهداف (۸، ۴، ۲، ۱) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پیش‌بینی شده‌اند (سند تحول بنیادین: ۱۳۹۰). یا در برنامه ششم توسعه بر ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی تأکید شده است. این هدف بدون ارج نهادن به کنجاوی دانش‌آموزان و تدوین برنامه درسی مبتنی بر آن محقق نخواهد شد.

واژه کنجاوی پیشینه کهنی دارد و از دیرباز فلاسفه و متفکران به آن توجه داشته‌اند. مؤلفه کنجاوی بیان‌کننده حس جست‌وجوکنندگی دانش‌آموزان، علاقه به پیگیری اطلاعات جدید، اشتیاق نسبت به دانش نوین و میل به یادگیری است و به‌عنوان میل ذاتی به دانستن، به دیدن یا تجربه کردن چیزی تعریف شده است که به رفتار جست‌وجوی اطلاعات منجر می‌شود. برلین (۱۹۶۰) ذهنیت اصلی در مطالعه کنجاوی را بررسی کرد. این موضوع از سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۸۰ توجه محافل علمی را برانگیخت. برلین تقسیمات گوناگونی از کنجاوی را مطرح کرد که عبارت‌اند از ادراکی، معرفتی، ویژه و متنوع. کنجاوی مورد بحث در آموزش، همان کنجاوی معرفتی (علمی) است.

از آنجا که یکی از اهداف اساسی برنامه‌های درسی، پرورش قوه تفکر است و در سایه کنجاوی است که تفکر به وجود می‌آید (فقیه‌آرام و همکاران، ۱۳۹۷)، می‌توان گفت، در تحقق این هدف، نقش برنامه‌های درسی که معلم در کلاس درس به اجرا می‌گذارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. برنامه درسی باید به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شود که دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه به سرعت در حال پیشرفت و تغییر